

او کلمات تندی داشت. تنها نقطه‌مشترب مشترک بالقوه، والتر بنیامین بود- دوست مشترک‌شان - اما حتی درباره او هم اختلاف پیدا کردند. آرنت معتقدبود آرنونوهور کهایمر، بنیامین‌را «فرانکفورتی سازی» می‌کند؛ یعنی اندیشه‌موزائیکی و تجربه‌گرای او را صاف و سیستماتیک می‌کنند. آرنت این را تحریف می‌دانست. علاوه بر این، ناراحتی شخصی هم بود: آرنت فکر می‌کرد که آرنونو مانع هابیلیتاسیون(۲) همسر اول اش- گوئتر اشترن- در فرانکفورت شده است بنابراین درگیری جدی شدو طرف اصلی آرنت، همیشه آرنونوبود.

«آرنت در سال ۱۹۴۱ هم‌راه بلوخر به نیویورک رسید و از همان ابتدا شروع به یادگیری زبان انگلیسی کرد. یک‌سال بعد اولین متن‌ها را نوشت، این سازگاری چگونه ممکن شد؟

واقعاً چشمگیر است، او خیلی سریع انگلیسی آموخت‌و مهم‌تر این که شجاعت داشت خیلی زود به این زبان بنویسد و منتشر کند. این نشان‌دهنده تصمیم او برای «پذیرش کامل جهان جدید» بود. اما زبان آلمانی همیشه خانه فکری‌اش ماند. بارها گفت که آلمانی فقط زبان مادری اش نیست، زبان تفکرش است. انگلیسی را خوب آموخت، اما نه کاملاً! نقص واین در آثار متأخرش هم پیداست.

«نخستین اثر بزرگ او کتاب «عناصر و ریشه‌های سلطه توتالیتار» بود که هم تحسین شد، هم محل مناقشه بود.

بله. این کتاب او را ناگهان به صحنه دانشگاهی بازگرداند. دعوت‌هایی از دانشگاه‌های نخبه دریافت کرد؛ سخنرانی‌هایی مهم که غالباً اولین زن سخنران آن‌ها بود. کتاب، هم ستایش شد، هم نقدهای سختی گرفت. گروه شولم، آن را استود اما از مقایسه نازیسم و استالینیسم ناراحت بود. چپ‌ها این موضوع را بیش از همه نقد کردند؛ اینکه این دورزیم را تحت مفهوم واحد «توتالیتاریسم» می‌آورد. اما توتالیت مورد نظر آرنت، محدود بود؛ فقط آلمان نازی و شوروی استالینی. کشورهای شرق اروپا را «توتالیتار» نمی‌دانست، روش او نیز انتقاد برانگیخت: او مورخ نبود، کتاب‌اش تک‌تکه‌و غیرسیستماتیک بود. اما این دقیقاً روش آرنت بود؛ تاریخ‌نگاری قطعه‌وار، نه یک روایت منظم. او می‌خواست‌نشان دهد چگونه‌عناصر مختلف‌نژادپرستی، امپریالیسم و یهودستیزی-می‌توانند در شرایطی خاص کریستالیزه شوندو شکلی کاملاً جدید از سلطه را بسازند.

«شما صحنه‌ای را در کنفرانس تورنتو ۱۹۷۲ نقل می‌کنید که در آن از آرنت پرسیدند به کدام «سنت فکری» تعلق دارد. آیا این «اتعلقی»، بخشی از قدرت فکری او بود؟

بله. آرنت با بصبایت گفت: «من به‌هیچ جاتعلق ندارم.» نمی‌خواست در هیچ دسته‌بندی‌ای قرار گیرد. او گفت که حتی لیبرال هم نیست؛ با اینکه تقریباً همه دوستانش لیبرال بودند. او نمی‌خواست به ایدئولوژی‌های قرن نوزدهم چسباندن شود؛ نه لیبرالیسم، نه محافظه‌کاری و نه سوسیالیسم. اگر بخواهیم او را جایی قرار دهیم، در سنت «جمهوری خواهی» است؛ گفت‌وگویی چندقرنی درباره امر عمومی، آزادی و فضای همگانی. این سنت می‌تواند، به ایده‌های محافظه‌کارانه پیوند داشته‌باشد، هم با ایده‌های لیبرال. این شاید «خانه نظری» او باشد.

«باین حال او اغلب به‌عنوان «متفکری بورژوا» نقد می‌شود.

او یک منش بورژوای فرهنگی داشت؛ توقعات بالا از آسوزش، از جهان‌وطنی فکری و از سبک زندگی. در عین حال «مسئله اجتماعی» در آثارش کمتر دیده می‌شود. میان سیاست و حوزه اجتماعی، مرز سختی می‌کشد. می‌گوید که کنش سیاسی نیازمند امنیت اقتصادی است، اما آن را بدیهی می‌گیرد و این خود مشکل ساز است؛ زیرا بدیهی نیست. آرنت کمتر درباره شرایط مادی آزادی سخن می‌گوید، اما فضایل سیاسی اش «فراگیر» هستند؛ هر انسانی باید امکان مشارکت در فضای عمومی را داشته‌باشد. فقط توضیح نمی‌دهد که چگونه باید بنیان‌های مادی این مشارکت را برقرار کرد.

«نمونه‌ای این‌بهم، مقاله «لیتل‌راک»(۳) است که تبعیض نژادی در مدارس را نقد می‌کند؛ اما به‌شکلی مسئله‌دار. امروز نظر شما چیست؟

به‌نظر من، امروز این مقاله یک خطای داوری است. در آن زمان بحث بزرگی ایجاد کرد. آرنت استدلال کرد که نباید مسئله بزرگ تبعیض نژادی را از طریق کودکان حل کرد. می‌خواست دخالت دولت در مدرسه را محدود کند؛ این بخشی از نظریه اوست که میان مسائل خصوصی، اجتماعی و سیاسی مرز می‌کشد. اما در این مورد به بیراهه رفت. بعدها در نامه‌هایی اعتراف کرد که واقعیت زندگی کودکان سیاه‌پوست را دست‌کم گرفته بود. حتی سر سبزیان هم از مقاله فاصله گرفتند. مدرسه، فضایی غیرسیاسی نیست؛ دقیقاً جایی است که حقوق سیاسی، اجتماعی و خصوصی تلاقی می‌کنند. آرنت این را می‌دانست، اما همچنان مرزبندی را حفظ کرد.

«آرنت در سال ۱۹۶۱ تصمیم گرفت درباره محاکمه آیشمن بنویسد و برای نیویورکر به اورشلیم رفت. آیا بعدها پشیمان شد؟

نه، می‌خواست آنجا باشد و بنویسد. یاسپرس هشدار داده بود که خطرناک است، اما آرنت گوش نکرد. آنچه دست‌کم گرفت، شدت واکنش‌ها بود. با نقد آشنا بود، اما این حجم خشم- آن‌هم درباره چنین موضوعی- او را غافلگیر کرد.

«دو نقطه اصلی باعث خشم شد؛ بحث او درباره شورا‌های یهودی، سپس مفهوم «ابتدال شر»، آیا سوتفاهم بود؟

آرنت می‌گفت کتابی که او نوشته، با کتابی که مردم درباره‌اش جنجال می‌کنند، فرق دارد. جمله مشهوری درباره این موضوع داشت؛ بسیاری جملات جنجالی را جدا کرده و اصل کتاب را نادیده گرفته‌اند.

«درباره شورا‌های یهودی چه؟

آرنت معتقد بود که این بخش از تاریخ هم باید روایت شود. تنها چند صفحه از کتاب به آن اختصاص داشت، اما همان کافی بود تا او را متهم کنند. شولم در نامه معروف‌اش، این مسئله را دلیلی برای قطع رابطه دانست. هانس یوناس هم رابطه‌اش را برای دوسال با او قطع کرد. هر چند بعد‌ها آشتی کردند.

«درباره «ابتدال شر»؟



پروفسور گریت اشتراسن برگر، «آرنت» شناس معروف آلمانی است. خانم گریت اشتراسن برگر متولد سال ۱۹۷۰ در برلین است. او نظر په‌یر داز سیاسی است که متأسفانه آثارش به فارسی ترجمه نشده، همچنین آثار کمی از او به انگلیسی هم ترجمه شده است. مهمترین اثر او بحث روایت‌ها در نظریه سیاسی است

در عناصر و ریشه‌ها از «ادیکالیتنه شر» سخن گفته بود، اما در محاکمه آیشمن به این نتیجه رسید که شر در این مورد «ابتدالی» است؛ نه یک شیطان متافیزیکی، بلکه نتیجه فقدان فکر. بارها گفت که این به‌معنای «بی‌گناهی» آیشمن نیست. او یک «قاتل اداری جمعی» بود که کارش را بی فکر انجام می‌داد. فقط یک نکته، توهین تلقی شد؛ جایی آیشمن را «دلفک یا احمق» خوانده بود، که در زمینه هولوکاست برای بسیاری غیر قابل قبول بود.

«خشم شدید از سوی یهودیان آلمانی هم بود. گولو مان او را به‌شدت نقد کرد.

بله. اغلب حملات از نزدیک‌ترین افراد می‌آمد. گولو مان و آرنت، هر دو شاگرد یاسپرس بودند و همین موضوع حساسیت را بیشتر کرد. یاسپرس، نهایتاً جانب آرنت را گرفت. حامیان فعال آرنت کم بودند؛ مهم‌ترین‌شان مری مک‌کارتی بود که بی‌هیچ تردیدی از او دفاع کرد. بسیاری دیگر، محتاط بودند. نتیجه این بود که آرنت احساس کرد در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، تنها مانده است؛ در محاصره نقدهای تند، سکوت و احتیاط.

«اما مسیر دانشگاهی او بدون وقفه ادامه یافت.

می‌گفت کلاس‌هایش پُر بود؛ چه در شیکاگو، چه در نیویورک. دانشجویان در محل کلاس را از پاشنه درمی‌آوردند. این برایش نوعی نجات بود؛ وفاداری دانشجویان. در دانشگاه- نه درباره محاکمه آیشمن، بلکه درباره «شر»، «بی‌فکری» و «قوه داوری» سخن می‌گفت. در سال ۱۹۶۳، کرسی دانشگاه شیکاگو را گرفت و در سال ۱۹۶۷، کرسی نیوسکول را. جنجال‌ها به جایگاه آکادمیک او آسیبی نزدند.

«آرنت درباره فلسطین نظری داشت که امروزه دوباره محل بحث است؛ ایده «یک کشور مشترک» یهودی- عربی. این چگونه قابل فهم است؟

او در دهه ۱۹۴۰ واقعاً از طرحی دوملیتی دفاع می‌کرد؛ یک ساختار فدرالی با جوامع مختلف. اما نباید آن را بیش از حد سیستماتیک کرد؛ این نوشته‌ها ژورنالیستی بودند، نه نظریه دولتی. مهم‌تر از همه اینکه، پس از تأسیس اسرائیل هرگز مشروعیت این دولت را زیر سوال نبرد. این طرح فقط به موقعیت تاریخی قبل از ۱۹۴۸ مربوط بود.

«آرنت فقط متفکر نبود؛ شخصیتی بسیار جذاب هم بود. در

نیویورک، مرکز جمع شدن افراد گوناگونی بود. این جذابیت از کجای می‌آمد؟

او دوستی را به‌عنوان شیوه زندگی می‌فهمید؛ تحمل تفاوت‌ها در یک رابطه صمیمی. این عملاً آینده‌ای سیاسی بود. به‌علاوه فرهنگ، طنز، قوه داوری و اعتماد به نفس فراوانی داشت. آپارتمان‌اش جایی برای گفت‌وگوهای زنده و الهام‌بخش بود. توانایی او در جمع کردن آدم‌ها، بخشی مهم از شخصیت‌اش بود.

«در پایان زندگی دل‌اش می‌خواست کجا باشد؟ نیویورک وطن‌اش بود یا اروپا؟

هر دو. بسیار بین دو جهان سفر می‌کرد. تابستان‌ها در سوئیس، دیدار با دوستان و سخنرانی‌ها؛ همه این‌ها نشان می‌دهد که اروپا را ترک نکرده بود. اما نیویورک را نیز عمیقاً دوست داشت؛ آزادی فکری و فضای سیاسی باز. در اواخر دهه ۱۹۶۰ اوو بلوخر حتی به فکر بازگشت به اروپا بودند؛ نه آلمان، بلکه سوئیس. تابستان‌ها را در تگنا، بالای دریاچه ماجیوره، نزدیک یاسپرس می‌گذرانند. اما مرگ بلوخر در ۱۹۷۰ این برنامه را نابود کرد. آرنت به‌تنهایی نمی‌خواست چنین تغییر بزرگی را انجام دهد. اما اینکه چنین فکری داشت، نشان می‌دهد که او همیشه «میان دو جهان» زندگی می‌کرد.

► پی‌نوشت‌ها:

۱. جوانان غالباً یک سازمان امدادی یهودی بود که در دهه ۱۹۳۰ تأسیس شد و هدف‌اش انتقال نوجوانان یهودی از آلمان و اروپا به فلسطین تحت قیمومیت بریتانیابود تا از خطر نازی‌ها نجات پیدا کنند. ۲. هابیلیتاسیون، در آلمان یک مرحله دانشگاهی بسیار مهم بعد از دکتراست. کسی که هابیلیتاسیون بگیرد، حق دارد به‌عنوان استاد دانشگاه تدریس و راهنمایی دانشجوی کند. اگر هابیلیتاسیون رد شود، یعنی مسیر حرفه‌ای فرد در دانشگاه تقریباً بسته می‌شود. ۳. منظور از «مقاله Little Rock» همان مقاله معروف هانا آرنت است که در سال ۱۹۵۹ در مجله Dissent منتشر شد. در این مقاله، آرنت درباره مجاری ادغام نژادی مدارس در شهر لیتل‌راک ایالت آرکانزاس (Little Rock, Arkansas) می‌نویسد؛ جایی که در سال ۱۹۵۷ «۹ دانش آموز سیاه‌پوست» مجبور شدند با دخالت گارد ملی، وارد یکی از دبیرستان‌های سفیدپوستان شوند.

فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (فشرده) یک مرحله‌ای						
(نوبت دوم شماره آگهی ۸۰۰/۳۱۵۲۵)						
موضوع مناقصه	تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ستاد	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	زمان جلسه توجیهی	مهلت بازگذاری پاکات در سامانه ستاد تاریخ
تعمیرات اساسی خطوط استیم تاسیسات انبار شهید محمد منتظری	۱۹ ساعت ۱۳۰۴/۰۹/۱۲	۱۷۰'۲۵۷'۵۸۷'۷۲۸	۸'۵۱۳'۰۵۵'۰۵۵	۱۵ ساعت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷	۱۰ ساعت ۱۴۰۴/۰۹/۲۲	۱۵ ساعت ۱۴۰۴/۱۰/۰۳
بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی و HSE						بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی و HSE
						الف. ب. ج. ساعت ۱۵ صبح ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه اصفهان در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی فشرده مربوط به تعمیرات اساسی خطوط استیم تاسیسات انبار شهید محمد منتظری به شماره فراخوان (۲۰۰۴۰۹۱۹۱۵۰۰۰۰۱۵) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
مقتضایان می توانند بعد از انتشار فراخوان در سامانه ستاد نسبت به دریافت اسناد این مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.
اطلاعات تماس دستگا مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الکت: به آدرس اصفهان- خیابان چهارباغ بالا- جنب پمپ بنزین، امور قراردادها و تلفن تماس امور قراردادها ۰۳۱۳۶۴۴۶۶۱۸- تلفن تماس شرکت: ۰۳۱۳۶۴۴۶۷۰۵ و جهت مدارک HSE با شماره تماس ۰۳۱۳۳۲۸۰۸۸۲ (واحد HSE) و مدارک فنی ۰۳۱۳۸۶۲۵۷۷۲۱ (واحد خدمات مهندسی) تماس حاصل فرمایید.

شرایط متقاضیان:

- ▲ احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی و HSE جهت شرکت در تعمیرات اساسی خطوط استیم تاسیسات انبار شهید محمد منتظری به صورت PC
- ▲ اساسنامه شرکت پیمانکاری باید مؤید ارتباط رسته کاری پیمانکار با وظایف محوله باشد.
- ▲ ارائه تصویر کلیه صفحات اساسنامه شرکت و کارت ملی و شناسنامه مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره شرکت و تصویر ثبت آگهی شرکت به همراه آخرین تغییرات در روزنامه رسمی وکد اقتصادی و شناسه ملی و تصویر گواهینامه ثبت نام در نظام مالیات بر ارزش افزوده الزامی است.
- ▲ دارا بودن و ارائه گواهینامه تأیید صلاحیت پیمانکاری با رتبه ۵ از سازمان برنامه و بودجه کشور در رشته تاسیسات مکانیکی یا نفت و گاز
- ▲ توضیح اینکه تأمین اعتبار گواهینامه مورد اشاره در بند ا در طول مدت فرایند تشریفات برگزاری مناقصه و اجرای کار لازم و به عهده شرکت کننده در مناقصه می باشد.
- ▲ کلیه مستندات ارائه شده اصل یا برابر با اصل باشند.
- ▲ کلیه مستندات در فرم های ارزیابی کیفی و HSE می بایست ضمیمه فرم ها و بازگذاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت گردد.
- ▲ قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل یا لحاظ کیفیت ارائه گردد(خرید کالای خارجی که مشابه تولید داخلی دارند ممنوع می باشد).
- ▲ ضروری است متقاضی کلیه اسناد مناقصه و صورت جلسه توجیهی را قبل از ارائه پیشنهاد نرخ دریافت و با علم و آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.
- ▲ عدم ممنوع معامله بودن شرکت مناقصه گر (در صورت قرار داشتن در لیست شرکت های ممنوع معامله سپرده شرکت در فرایند ارجاع کار به نفع مناقصه گذار ضبط خواهد شد).
- ▲ تاریخ اعتبار پیشنهادات سه ماه بعد از بازگشایی پاکات تاریخ می باشد.
- ▲ دستورالعمل ارزیابی مالی و تعیین کمترین قیمت متناسب در مناقصات و وزارت نفت در این مناقصه اجرامی گردد.
- ▲ در ارزیابی کیفی، مبالغ قرارداد کارهای اعلامی در ارزیابی تجربی و حسن انجام کار بر اساس مرکز آمار بر روزرسانی می گردد.
- ▲ مسئولیت صحت مستندات ارائه شده بر عهده متقاضی شرکت در مناقصه بوده و در هر مرحله از مناقصه و فرایند پس از آن جهت عقد قرارداد صحت آنها برای شرکت محرز نگردد
- ▲ مناقصه و قرارداد ابطال و ضمانتنامه های ارائه شده ضبط می گردد. برنده مناقصه مکلف به ارائه اصل یا کپی برابر با اصل مستندات بازگذاری شده می باشد و در صورت هرگونه تناقض برابر قوانین و مقررات برخورد خواهد شد.

▲ کلیه پیمانکاران می بایست حداقل تا ۴۸ ساعت قبل از تحویل پاکات صورت جلسه توجیهی را دریافت و با علم و آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.

(ضمناً ارائه کپی ضمانتنامه در تاریخ ارائه پیشنهاد، جهت اخذ تأییدیه های لازم ضمانتنامه به واحد امور مالی منطقه الزامی است).

▲ لازم به توضیح است کلیه مدارک متقاضیان می بایست به ترتیب اشاره شده در آگهی در سامانه ستاد بازگذاری گردد و مدارک مربوط به ارزیابی کیفی و HSE در پاکت ارزیابی مربوطه بازگزاری گردد.

▲ لازم به ذکر است، با عنایت به اینکه مناقصه در مرحله تجدید می باشد، با هر تعداد مناقصه گر قابل اجرایی باشد.

▲ لازم به ذکر است جهت بازگشایی پاکات الف، ب، ج حداقل امتیاز قابل احراز ارزیابی ۵۰۰ امتیاز و جهت ارزیابی HSE، ۶۰ امتیاز می باشد.

▲ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴۰ دفتر ثبت نام: ۰۲۱-۶۹۷۳۷۲ و ۸۵۹۳۲۶۸۰

▲ ضمناً متن آگهی در سایت WWW.SHANA.IR قابل رؤیت می باشد.

▲ اسناد مناقصه در سایت ذکر شده قابل رؤیت می باشد.

آدرس: اصفهان- خیابان چهارباغ بالا- جنب پمپ بنزین- شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه اصفهان

تلفن تماس ستاد: ۰۵-۳۱۶۴۴۶۷۰۵ فاکس: ۰۳۱۶۴۴۴۴۲۱ کدپستی: ۸۱۳۷۰-۶۷۴۵۵

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه اصفهان

فلسفه اخلاق

بخت اخلاقی



حامد خانجانی

دانش آموخته فلسفه اخلاق

مفهوم «بخت اخلاقی» به میزان توفیق افراد در تحقق یک فعل اخلاقی، تحت عوامل درونی و بیرونی فرد می‌پردازد. مفهومی که در دهه ۷۰ میلادی مطرح شد و رویکرد سنتی به اخلاق را تغییر داد. در رویکرد سنتی، تحقق فعل اخلاقی تنها وابسته به عوامل درونی و تحت کنترل فرد است، اما بخت اخلاقی، به زمینه‌ها و شرایطی می‌پردازد که فرد در آن دست به عمل می‌زند؛ زمینه‌های ژنتیکی، تربیتی و محیطی، در این یادداشت نقش نظام‌های سیاسی -اقتصادی به‌عنوان عاملی محیطی در انتخاب‌ها و افعال اخلاقی و غیر اخلاقی افراد جامعه مورد بحث قرار می‌گیرد.

نظام‌های سیاسی -اقتصادی، با شکل دادن به ساختار انگیزشی جامعه، قواعد رفتار اجتماعی را در سطح کلان تعیین می‌کنند. این نظام‌ها از طریق طراحی و اجرای نهاده‌ا، قوانین، مکانیسم‌های نظارتی و شیوه‌های توزیع منابع و فرصت‌ها، یک «میدان نیرو» ایجاد می‌کنند که محاسبه عقلانی هزینه و فایده برای تکتک کنشگران را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. وقتی این میدان نیرو معیوب باشد، یعنی پاداش‌های کلان به رفتارهای غیر اخلاقی مانند رشوه، اختلاس، یا نقض قاعده تعلق گیرد و مجازات موثری برای آنها وجود نداشته باشد، یا رفتارهای اخلاق محور مانند صداقت، رعایت قانون، وجدان کاری با هزینه‌های گزاف و محرومیت از فرصت‌ها همراه شود، آن گاه منطق ساختاری نظام به‌صورت سیستماتیک در جهت ترویج بی اخلاقی عمل می‌کند. در چنین شرایطی، انتخاب اخلاقی از حالت یک هنجار قابل دسترس و عقلایی خارج شده و به یک کنش پرهزینه و حتی غیرمنطقی تبدیل می‌شود. این تحریف در انگیزه‌ها، پویایی جمعیت را به سمتی سوق می‌دهد که در آن اکثریتی که تابع محاسبات عقلایی ساده هستند، به‌تدریج به‌سمت الگوهای رفتاری غیر اخلاقی سوق داده می‌شوند؛ زیرا این مسیر، راه دستیابی به موفقیت، امنیت و منفعت شخصی را تسهیل می‌کند. در این میدان نیروی معیوب، جایگاه گروه‌های اقلیتی نیز دچار دگرگونی می‌شود. آن عده معدودی که صرفاً براساس اصول درونی‌شده اخلاقی و مستقل از پاداش و مجازات بیرونی عمل می‌کنند، تحت فشار فراینده قرار می‌گیرند. آنان نه تنها از مزایای ناشی از بی‌قیدی دیگران محروم می‌مانند، بلکه اغلب شاهد موفقیت مادی و اجتماعی کسانی هستند که قواعد را زیر پا می‌گذارند. این وضعیت به ایجاد احساس بی‌معنایی، انزوا و «خستگی اخلاقی» در میان فضیلت‌مداران می‌انجامد و در درازمدت می‌تواند پایبندی حتی این گروه را نیز تحلیل کند. در مقابل آنانی که هیچ مانع درونی‌ای برای تخطی از هنجارها ندارند، در چنین نظامی شکوفا می‌شوند. عدم وجود مجازات‌های موثر و قطعی، همراه با دست‌آوردی ملموس ناشی از بی‌اصولی، به آنان جایگاه و مشروعیت کاذب می‌بخشد. در حقیقت نظام معیوب ناخواسته به این گروه پاداش داده و آنان را به الگوی عملی موفقیت تبدیل می‌کند، که این خود به گسترش بی‌ضابطگی دامن می‌زند. پیامد نهایی این فرایند، کاهش شدید «بخت اخلاقی» برای کل جامعه است. بخت اخلاقی بالا مستلزم آن است که فرد امکان واقعی و کم‌هزینه‌ای برای انتخاب‌های اصیل اخلاقی داشته باشد. بحران اخلاقی در چنین شرایطی یک حادثه تصادفی نیست، بلکه یک خروجی قطعی و قابل پیش‌بینی از یک معادله نهادی معیوب است. بر وه رف‌ت از این چرخه معیوب در بازطراحی بنیادین نهاده‌ا و ایجاد سازوکارهایی است که در آنها عقلانیت فردی و جمعی با دیگر با اخلاق همسوسود، به‌طوری که پیروی از قاعده‌مندی اجتماعی و عمل براساس صداقت، پیامدهای ملموس مثبت و پایدار داشته باشد. اما مسئله‌ای اساسی اینجاست که، «چگونه می‌توان از ساختاری که بی اخلاقی را بازتولید می‌کند، انتظار اصلاح داشت؟» به نظر می‌رسد این پارادوکس، صحنه را برای نقش مردم به‌عنوان اجزاء و عناصر یک جامعه در جایگاه کنشگران تغییر باز می‌کند؛ اما نه به‌شکل سنتی و انقلابی صرف، بلکه از طریق استراتژی‌های تدریجی و چندسطحی. تغییر از سوی مردم در بازتعریف جمعی از «عقلایت» و «منفعت»، سپس تجسم این تعریف جدید در نهادهای موازی و شبکه‌های اجتماعی مقاوم نهفته است. در تشکیل گروه‌های کوچک محلی، حرف‌ای یا مدنی، حتی به‌صورت غیررسمی، که در آن‌ها قاعده، همکاری مبتنی بر صداقت و اعتماد متقابل است، مردم زمانی می‌توانند نقطه آغاز تغییر باشند که فعالیت‌شان معطوف به «آزسازی» بافت اجتماعی فروپاشیده» و «ایجاد واقعیت‌های اجتماعی جایگزین» باشد. این راه‌برز حمت و طولانی است، اما احتمالاً پایدارترین و اخلاقی‌ترین مسیر برای شکستن چرخه بخت اخلاقی منفی است.